

## دانش مخطوطات در میراث عربی\*

دکتر احمد شوقی بدین  
ترجمه حسین علمتقاری

عناصر تشکیل دهنده این علم، به بررسی دو عنصر و عامل که بیشترین ارتباط را با تصحیح علمی دارند، می‌پردازد؛ یکی تحقیق و تفتیش و جست‌وجو از مخطوطات و دیگر، تأثیر نسخه‌نویسی و نسخه‌نویسان در مخطوطات عربی در گذر تاریخ طولانی آنها.

تحقیق جست‌وجو درباره مخطوطات و فهراس، تاریخ و مکان نگاهداری آنها خواه برای دانشمند نسخه‌شناس که به مخطوط، به عنوان یک شیء مادی می‌نگرد و خواه برای زبان‌شناسی که به نقد متن مخطوط و نشر آن اهتمام دارد، اولین مرحله در تحقیقات به شمار می‌رود. هدف علمی در نسخه‌یابی و نسخه‌جویی، جمع‌آوری بیشترین تعداد ممکن از نسخه‌های یک مخطوط است تا بدین وسیله امکان پیشینه‌پژوهی متن، که تنها راه و روش علمی‌ای است که رسیدن به نسخه مؤلف یا نسخه‌ای شبیه آن را برای محقق فراهم می‌سازد، به وجود آورد. سنت بیشتر محققان جدید در حیطه میراث مخطوطات عربی بر این بوده که چنانچه نسخه‌های متعدّد یک مخطوط شناخته شده نباشد، تنها به یک نسخه و یا نسخه‌های معدودی اکتفا و بر اقدم و یا اصح نسخه‌ها اعتماد می‌کنند. و در هوامش، روایات مختلف موجود در نسخه‌هایی را که ثانوی به شمار می‌روند ضبط می‌کنند و ابیات شعری را تخریب (مصدریابی) و یا تکمیل کرده، واژگان غریب آنها را شرح می‌دهند و شرح حال و ترجمه بزرگان و اعلام را می‌آورند. مانند کاری که ابو عبید بکری

سنت اغلب کارگزاران در عرصه تحقیق علمی میراث عربی این است که در فرایند تحقیق و تصحیح، بر یک نسخه یا نسخه‌های متعدّد از یک مخطوط (دست نوشته) اعتماد می‌کردند. به این اعتبار که این‌ها، نسخه‌هایی نهایی بوده و برای رسیدن به نسخه اصلی یا نسخه‌ای شبیه به آن، احتیاج به کمی تصحیح و تخریب و مقابله دارند. حال حقیقت این است که این مخطوطاتی که بدان‌ها تکیه و اعتماد شده و عمل تحقیق و تصحیح به واسطه آنها صورت پذیرفته و نیز روش یا روش‌هایی که در آن به کار بسته شده در شأن و مقام این مهم نبوده است و رسیدن به نتایجی را که از آن انتظار داریم، ممکن نخواهد ساخت.

علت اساسی این است که نسخه‌های مورد رجوع، تحت بررسی دقیق علم فیلولوژی (فقه اللغه) قرار نگرفته است. همچنین در بررسی آنها، قواعد و اصول علم جدید مخطوطات به کار گرفته نشده است. پس نقشی که علم مخطوطات (کودیکولوژی)، در باب تحقیق و تصحیح علمی دارد؛ چیست؟ این مقال سعی دارد به طور اختصار به این سؤال پاسخ دهد.

علم جدید کودیکولوژی به بررسی تاریخ کتابخانه‌ها، منابع و مصادر دست نوشته‌ها، فهراس مخطوطات، وقفیات، تملکات، کتابت و کاتبان و جنبه‌های مادی مخطوط و همه آنچه خارج از متن مخطوط (Ex-Libris) است، می‌پردازد. اما این مقال وجیز، از میان

\* این نوشتار برگردانی است از مقاله «علم المخطوطات والتحقیق العلمی» که در مجله مجمع اللغة العربیة بدمشق؛ شوال ۱۴۱۳ هـ / آوریل ۱۹۹۳ م به چاپ رسیده است.

در کتاب اللآلی فی شرح امالی القالی و یا عبدالقادر بغدادی در کتاب خزانه الادب کرده است.

تکیه و اعتماد بر یک نسخه در کار تحقیق، چیزی است که امروزه، محققان زبان‌شناس، آن را مردود اعلام می‌کنند. و بهتر است که در این صورت، آن را تصحیح بنامیم نه تحقیق. زیرا نسخه یگانه، در حدّ و اندازه‌ای نیست که تحت بررسی شیوه‌های جدید نقد متون قرار گیرد. بسیاری از نسخه‌های یگانه در میراث عربی ما که تحت بررسی‌های علمی قرار گرفته‌اند، ناقص و مملوّ از خطا و کژی‌ها - از حیث ترکیب‌بندی یا واژگان و یا اعلام - بوده‌اند. و این باعث گشودن باب (نقد حدس و تخمین) در زمینه تصحیح و تحقیق شده است.<sup>۱</sup> مادامی که تعدادی از نسخه‌های یک مخطوط در اختیار باشد، مفهوم نسخه معتمد و نسخه اقدم، از دیدگاه فیلولوژیست‌ها، بی‌معناست. نسخه اصلی مادر یا نسخه اساس، نسخه‌ای است که قدیمی‌ترین شکل یک مخطوط را بعد از بررسی نسخه‌های مختلف آن در عملیات «پیشینه‌پژوهی متن / Historie Du texte» که هدف آن اعاده بنا و ترکیب نسخه اصلی است، به نمایش می‌گذارد. متن اقدم یا نسخه اقدم، شعاری پرمداول در بین مدعیان تحقیق بوده که در فیلولوژی، به طور کلی، اعتباری ندارد. چه بسیار نسخه جدیدی که استوارتر و کم خطا تر از نسخه عتیق است. زیرا این نسخه یا از تبار نسخه‌های قدیم بوده و یا از نسخه‌ای که قدیم‌تر یا نزدیک‌تر به نسخه اصلی بوده، استنساخ شده است.

اگر از نصّ اقدم سخن می‌گوییم، به این اعتبار است که متن اقدم یکی از نسخه‌هایی است که محقق را در دست‌یابی به نسخه اساس (authentic) - و نه نسخه مؤلف - مساعدت و یاری می‌کند، در این صورت در کار نقد متون، اعتماد به یک نسخه یا نسخه‌های مختلف - مادامی که روش‌ها و شیوه‌های اجرایی مختلف در دسترس باشد - از جهت نظری و عملی مقبول و پسندیده نیست. و شایسته نیست که در تحقیق و تصحیح علمی به روش‌های یاد شده به بهانه قلت نسخه‌های یک مخطوط و یا عدم وجود آنها، بپردازیم. بلکه تفحص از وجود مخطوطات و جمع‌آوری و فهرست‌بندی آنها جهت بهره‌مندی در کار تحقیق، ضروری می‌باشد.

و وجود نسخه‌های یگانه و یا انعدام نسخه‌های یک مخطوط بسی‌اهمیت قلمداد می‌شود. آماری که متخصصین از مخطوطات جمع‌آوری شده و فهرست‌بندی شده عربی به دست می‌دهند، سه میلیون نسخه می‌باشد. ولی البته این تعداد با نسخه‌های فهرست نشده و غیرمکشوف و نسخه‌های محبوس در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی افزون می‌شود. همچنین به این آمار، مخطوطاتی که تازه کشف می‌شوند و فهرس مخطوطاتی که هر از گاه انتشار می‌یابد،

اضافه می‌شود. به اعتبار همین اکتشافاتی که تقریباً روزانه صورت می‌گیرد، نباید از این واقعیت دور شویم. اگر چنانچه معتقدیم که پسندیده و صحیح نیست که از یک دست نوشته، با وجود تداول، انتقال و کتابت آن در خزاین مدارس، دانشگاه‌ها، زوایا و مساجد مختلف عالم پر وسعت اسلامی که به صدها و بل به هزاران می‌رسند، فقط چند نسخه آن را در اختیار داشته باشیم.

مسامحه و غفلتی که گریبان‌گیر کار تحقیق و تفحص از مخطوطات شده، به کاستی و قصور در عملیات تصحیح و تحقیق در کتب میراث منجر شده است. پس از کاوش و پی‌جویی در فهرس کتابخانه‌ها و عدم دست‌یابی به نسخه‌های یک مخطوط، نمی‌توان به فقدان ابدی این نسخه‌ها - به بهانه تخریب، سرقت و اهمال‌کاری در کار کتابخانه‌های اسلامی در گذر تاریخ - حکم داد. آنچه در خزانه‌های اروپا از آتش‌سوزی، غارت و سرقت وارد شده، افزون بر آنچه بر سر کتابخانه‌های اسلامی و عربی رخ داده بوده است، ولی با این حال خزانه‌های غرب، مملوّ از میلیون‌ها مخطوط و مشحون از صدها نسخه از یک مخطوط است. پس شایسته نیست بلایی که در گذر ایام متعرض میراث عربی شده را تنها علت اتلاف و فقدان مخطوطات قلمداد نماییم؛ بلکه آن را باید ناشی از اختلاف در دیدگاه، عقیده و مذهب دانست. همچنان که اهمال و مسامحه از دلایلی است که به فقدان و نماندن کتاب‌ها طی زمان‌های طولانی منجر شده است، آن‌گاه پس از آن که ادعاها و اسبابی که منجر به مفقود شدنشان شده پایان یافت و از بین رفت، فوراً نسخه‌ها کشف شده و در دسترس قرار می‌گیرند. از نمونه این پدیده که در میراث عربی ما رخ داده، می‌توان به آنچه یاقوت در معجم الادباء<sup>۲</sup> از ابوحنیفان توحیدی که از ابوبکر اخشید، در مورد پی‌جویی او در به دست آوردن کتابی مفقود از جاحظ به نام الفرق بین النبی و المتنبی نقل کرده، اشاره کرد. بدین قرار که وی در پی دست‌یابی به این کتاب، کسی را مأجور و مأمور به یافتن آن در میان مردم می‌کند و علی‌رغم جست‌وجوی فراوان آن را نمی‌یابد. و امروز توحیدی می‌گوید:

۱. کتاب طوق الحمامه از ابن حزم که نسخه یگانه‌ای از آن در خزانه دانشگاه لیدن هلند نگهداری می‌شود، ناقص است. زیرا ارجاعاتی که ابن حزم در تألیفات دیگرش داده، غیر از ارجاعاتی است که در نسخه هلند موجود است. نیز ارجاعات دانشمندان بعد از ابن حزم در آن، ارجاعاتی است که در این نسخه یتیمه، چیزی از آنها را نیافتیم. همچنین است وضعیت نسخه یگانه‌ای از کتاب الانتصار ابوحنیفان بن خیاط که در دارالکتب قاهره محفوظ است. این نسخه مملوّ از خطاها و نواقص بوده و برای تصحیح، قابل اعتماد نخواهد بود.

۲. ارشاد الاریب: ج ۶، ص ۷۲۱؛ نیز نگاه کنید به: فرانتس روزنتال: مناخ، العلماء المسلمین فی البحث العلمی، ص ۵۳.

و لذا پس از آن که نسخه‌های دیگر یک کتاب مصحح، شناسایی شدند، مصحح را مجبور به اعاده نظر در تصحیح خود می‌کند و به دنبال، خواننده محقق که از آن کتاب، اصول و احکامی را استنباط و استخراج کرده، به اعاده نظر سوق می‌دهد. در این ارتباط به دو نمونه مربوط به دو تن از مصححان نامی در قواعد تصحیح متون، اکتفا می‌کنیم. این دو دانشمند مرحوم عبدالسلام هارون و صلاح‌الدین منجد هستند.

عبدالسلام هارون کتاب سیبویه را تصحیح کرد. او در این کار به چهار نسخه محفوظ در دارالکتب قاهره اعتماد کرد. و بنا بر گفته او این نسخه‌ها، مجهول النسخ، فاقد تاریخ، جدید النسخ و یا به صورت اوراقی پراکنده بوده و بهره‌مندی از آنها بسیار مشکل و به دور از انتفاع بوده است. حال اگر این استاد مصححان، در پی نسخه‌های دیگر کتاب سیبویه برمی‌آمد، سه نسخه از آن را در کتابخانه‌های ترکیه و نسخه‌ای دیگر را در دانشگاه برنستین ایالات متحده می‌یافت. کلیه این نسخه‌ها اقدم و اوثق از آن نسخه‌هایی است که هارون در تصحیحش بر آن تکیه کرده بود. به علاوه محقق فرانسوی در «مرکز ملی تحقیقات فرانسه» در پاریس، به نام خانم امبرت ژنویو (Imber genevive) تعداد هفتاد و هفت نسخه از کتاب سیبویه را جمع‌آوری کرده است<sup>۱</sup>؛ که این تعداد برای تصحیح (الکتاب) براساس اسالیب جدید نقد متون مکفی خواهد بود. چون به زودی این محقق به پیشینه پژوهی متن کتاب می‌پردازد و قطعاً متنی از کتاب سیبویه به دست خواهد داد که با کلیه نسخه‌های خطی و دو چاپ درانبورگ فرانسه و هارون مصری، هماهنگ نخواهد بود. و لذا محققان در نحو عربی، از آن پس مجبور خواهند شد که موضع خود را در قبال بسیاری از آرای نحوی سیبویه تغییر دهند.

اما استاد صلاح‌الدین منجد، کتاب اللغات فی القرآن، منسوب به ابوعبید قاسم بن سلام (۲۲۳ هـ) را براساس نسخه‌ای محفوظ در کتابخانه ظاهریه دمشق تصحیح کرده است. این مصحح از دو چاپ این کتاب، یکی در هامش تفسیر (الجلالین) و دیگری در هامش کتاب (التیسیر فی علم التفسیر) غافل ماند. همچنین دو دست نوشته از آن در کتابخانه چستریتی (Chester Beatty) ایرلند و خزانه اسعد در

«خزانه‌ای نیست که یک نسخه از این کتاب در آن نباشد. بیش از صد نسخه از آن را دیده‌ام.»

نیز روایت شده که ابن خلکان از عدم دستیابی به بیشتر کتاب‌های [ابوالعلاء] معری شکوه داشته، حال آن که یکی از متأخرین به وقوف بر اغلب کتاب‌های ابوالعلاء اذعان کرده است.

بیرونی چهل سال بیهوده در پی نسخه‌ای از کتاب مانی (سفر الاسرار) جست‌وجو کرده است؛ ولی اخیراً به وجود آن نسخه پی برده شده است.<sup>۱</sup> ابن رشد در کشف مناهج الادله گفته که وی برای تنویر پاره‌ای از مشکلات مبتلا به فلسفی از برخی کتاب‌های معتزله سراغ می‌گیرد؛ ولی به آنها دسترسی پیدا نمی‌کند. پس آیا کتب معتزله از زمان ابن رشد (۵۹۵ هـ) مفقود شده بودند؟ آیا معقول به نظر می‌رسد که شخصی چون ابن رشد از دست‌یابی به میراث معتزله - که اگر برخی از دست‌ها برای اخفای آنها در مدت هشت قرن در کار نبود، نمایانگر مهم‌ترین بخش از تطوّر فکری و حضاری ما به شمار می‌رفت - عاجز مانده باشد؟ دست‌هایی که در میراث معتزله در کار بود، جز دست‌های خود معتزله نبوده است: «فرقه زیدیه (زین بن علی بن حسین) که معتقد به مذهب معتزله بود، در یمن حکومتی برای آنها برپا شد. هنگامی که در عهد عباسیان، ظلم و جور بر علیه معتزله واقع شد و خصومت و دشمنی، منجر به از بین بردن کتاب‌ها و آثار فرهنگی آنها شد. یکی از امامان زیدیه، فرستادگانی را به یمن اعزام کرد و آنها بقایای میراث معتزله را از مراکز سکونتشان جمع‌آوری کردند و این گنجینه‌ها را با خود به صنعاً آوردند و در آنجا استنساخ و در کتابخانه‌ها، به ویژه در کتابخانه الجامع الکبیر، نگهداری کردند. بدین روی، این آثار، قرن‌ها از انظار عالم به دور ماند، تا جایی که کتاب تاریخ الادب العربی بروکلیمان حتی از یک اشاره به این مخطوطات، خالی مانده است. این قضیه ماند تا این که در دهه پنجاه میلادی قرن بیستم، گروهی از دانشگاه قاهره به آنجا سفر کرده و از وجود این نسخه‌ها مطلع گشته، از بسیاری از آنها عکسبرداری کردند و از آن زمان بود که امکان دست‌یابی به آثار معتزله به طور مستقیم، و نه از طریق دشمنان آنها، فراهم شد و محققان توانستند آرای معتزله را از مصادر و منابع خود آنها شناسایی نمایند<sup>۲</sup>».

این دست مثال‌ها برای اهتمام ورزان به کار تصحیح متون کافی است. مخطوطاتی را که در شمار مفقودات به حساب آورده‌اند، که چه بسا از آنها در کتابخانه‌های مختلف محفوظ مانده باشد. کوتاهی در امر تفتیش و جست‌وجوی مخطوطات موجب گردیده تا بسیاری از کتب تصحیح شده میراث ما بی‌ارزش قلمداد شوند. این کتاب‌ها و این گونه کارها در حقیقت ضایع کردن وقت، کوشش و هزینه است.

۱. همان، ص ۵۱، به نقل از رساله البیرونی فی فهرست کتب الرازی، ص ۳.

۲. التراث فی ضوء العقل، محمّد عماره، ص ۱۷۳.

۳. فؤاد سرگین از این کتاب ۶۶ نسخه تاریخ التراث العربی و خانم ژنویو ۱۱ نسخه را کشف کرده‌اند و اخیراً در یکی از زوایا در مغرب الاقصی نسخه دیگری از کتاب سیبویه کشف شده است. بنابراین تعداد این نسخه‌ها ۷۸ عدد می‌باشد.

استانبول نگهداری می‌شود<sup>۱</sup> و چنانچه به فهراس مخطوطات عربی که اخیراً در دنیا منتشر شده، مراجعه کنیم، نسخه‌های دیگری از این دو کتاب را خواهیم یافت. و چه بسا این تعداد برای پیشینه پژوهی متن توسط مصحح، کافی باشد. از دیگر کوشش‌های تازه و نادر در مجال تصحیح متون در میراث مخطوطات عربی می‌توان به تصحیح دو کتاب رحله ابن خلدون؛ شرقاً و غرباً و الف لیلۃ و لیلۃ توسط محمّد بن تاویت طنّجی و محسن مهدی اشاره کرد. این دو، کوشش خود را در جمع‌آوری تعداد زیادی از نسخه‌های این دو کتاب به کار بستند تا جایی که بتوانند به پیشینه پژوهی متن آنها به اسلوب‌های نوین اقدام نمایند.

به این علت که از دیدگاه دانشمندان فیلولوژیست، دست‌یابی به نسخه‌ای که شبیه به نسخه اصلی باشد، چیز بی‌اساس قلمداد می‌شود. در این راستا ابن تاویت به نسخه اساس<sup>۲</sup> که کلیه نسخه‌های موجود از آن منبثق می‌شوند، دست یافت. و محسن مهدی نیز به نمونه‌هایی از نسخ الف لیلۃ و لیلۃ که با نسخه‌های مخطوط و مطبوع در طبع بولاغ، کاملاً اختلاف داشت، دست یازید.<sup>۳</sup>

نسخه‌یابی و جمع‌آوری نسخه‌ها، مرحله نخست و عنصر اساسی در عملیات تصحیح علمی محسوب می‌شود. نسخه‌یاب - و نه مصحح و ناقد متون - در علم کودیکولوژی، فردی است که دارای صلاحیت علمی بوده و در چارچوب یک سازمان یا مجمع و یا آکادمی که در آنجا وسایل رایج تحقیق فراهم است، کار نسخه‌یابی به او واگذار می‌شود. کوششی که در (المجمع الملکی لبحوث الحضارة الاسلامیه) و (معهد المخطوطات العربیة) در راستای جمع‌آوری و انتشار مخطوطات و دست‌یابی به فهراس و نشر آنها، صورت می‌گیرد<sup>۴</sup>، به مثابه زیر بنایی است که بنای تصحیح و تحقیق علمی در بلاد عربی و اسلامی بر آن نهاده خواهد شد.

اما عنصر و عامل دوم از عناصر علم نسخه‌شناسی علمی، که به بررسی تأثیر و ارتباطش با تصحیح متون پرداخته‌ام، کتابت و تأثیر کاتبان در مخطوطات عربی در اماکن و بلاد مختلف است.

نقل و انتقال مخطوطات و نسخه‌ها در گذر عصرها، منجر به وقوع اضافات، حذف تغییر و تبدیلات بسیار گردیده، به طوری که این متون را دچار آشفتگی ساخته و احیاناً به طور کامل تغییر داده‌اند. این مسئله باعث شده که پیشینه پژوهی نسخه‌ها در عملیات نقد متون به عنوان مرحله‌ای اساسی و بایسته مورد توجه قرار گیرد.<sup>۵</sup> این قضیه را با نگاهی به متنی از کتاب الالمام الی معرفة اصول الروایة و تقیید السماع اثر قاضی عیاض بررسی می‌کنیم.

مؤلف پیرامون نسخ می‌گوید: «ناسخ می‌بایست نسخه‌اش را با نسخه اصل (مادر نسخه) حرف به حرف مقابله کند؛ تا در نتیجه عرض

و مقابله، به یقین و وثاقت دست یابد. او نباید نسبت به نسخ بدون مقابله ناسخ آگاه و ثقة اعتماد کند. بلکه در مورد نسخ بدون مقابله و مصحح خود نیز فریب نخورد. چه این که فکر، ذهن، قلب و دقت، پریشان و منحرف شده و قلم سرکش می‌شود.<sup>۶</sup> اگر، کار مقابله در این متن، اساسی قلمداد شود، استنباط عوامل دیگری که به نسخ و ناسخ مربوط می‌گردد، ممکن می‌شود. مقابله حرف به حرف که مؤلف

۱. کوتاهی در امر نسخه‌یابی و نسخه‌جویی بسیار در کار اهتمام‌ورزان به مجال تحقیق به چشم می‌خورد. علاوه بر دو مثال قبلی، می‌توان به تصحیح کتاب المزهر فی اللغة اثر سیوطی - که نیازمند تصحیح علمی می‌باشد - اشاره کرد.

پس از سه چاپ صورت گرفته از آن و از جمله چاپ بولاغ، گروهی از دانشمندان به تصحیح مجدد آن اقدام کردند. آنها در این تصحیح به نسخه‌های چاپی تکیه کرده و از نسخه‌های خطی دیگر که بروکلیمان در کتابش، تاریخ الادب العربی، به تعداد زیادی از آنها اشاره کرده، مانند نسخه‌های برلین، لندن، پاریس، موصل، منچستر، اسکوریان، استانبول و دمشق و ... غافل ماندند.

۲. نسخه مادر (اساس)، قدیم‌ترین نمونه و شاهد از شکل محفوظ متن مؤلف می‌باشد. اگر تحقیق و تصحیح به اشکال مختلفی از نص مخطوط انجامید، بدین صورت نشان‌دهنده وجود نسخه‌های مختلف مادر می‌باشد. و نقش فیلولوژی آن است که متنی را منتشر کند که به ایجاد نسخه مادر این متن (arch-type) منجر شود.

۳. کار محسن مهدی ما را به یاد کاری که فیلسوف و فقه اللغوی آلمانی، کارل لاکمان (1851 k.Lakhman) - که از واضعین قواعد پیشینه پژوهی متون است - می‌اندازد. قواعد و اسالیبی که او در تصحیح کتاب شاعر لاتین، لوکریس (Lucrece) یعنی فی الطبیعة / De Rerum Nature به کار بسته است، باعث شده تا متنی را ارائه دهد که با کلیه نسخه‌های مخطوط و مطبوع اختلاف تام دارد. در ارتباط با قدما از مسلمین عرب می‌توان به کوشش یونینی در تحقیق روایات بخاری به عنوان نمونه‌ای از پیشینه پژوهی متن اشاره کرد.

۴. خلاصه این اعمال بدین قرارند:

- حصر فهراس مخطوطات؛

- دست‌یابی به آنها از طریق خریدن یا عکسبرداری؛

- مشارکت آکادمی یا مجمع در امر انتشار فهرستی شامل از

مخطوطات.

۵. پیشینه پژوهی علمی متون از زمانی ظهور یافت که دانشمندان دریافته‌اند متون قدیمی که آنها را می‌خوانند در حقیقت متونی نیست که مؤلفان آنها از خود برجای گذاشته‌اند و در گذر ایام دچار تغییرات و اضافات بی‌شماری شده‌اند. لاکمان و رقبای او را می‌توان پایه‌گذار این علم قلمداد کنیم. لاکمان (Lakhman) در مورد تصحیح انجیل و مؤلفات شاعر (لوکریس / Lucrece) به ویژه کتاب الطبیعة از این روش علمی بهره جست. او طلایه‌دار علم فیلولوژی در قرن ۱۹ میلادی به شمار می‌رود و این به جهت تعدد دانشگاه‌ها و جلب دانشمندان در نتیجه سیاست غیر متمرکز و رایج در آن زمان بوده است.

۶. الالمام، القاضی عیاض، ص ۱۵۹.

می‌کند و برای این کار ابن بواب را مأمور کتابت مجلد مفقود می‌کند. بدین شرط که اگر تمیز آن مجلد از دیگر مجلدات ممکن نبود، او مفتخر به لباس شریف و یکصد دینار شود. لهذا ابن بواب در پی ورق کهنه شبیه به ورق مجلدات دیگر به جست‌وجو در کتابخانه می‌پردازد و پس از دست‌یابی به آن، مجلد مفقود را بعد از تعقیق، با آب طلا کتابت می‌کند. سپس با جلدی مستعمل از کتابی دیگر آن را تجلید می‌کند. و پس از گذشت یکسال ۳۰ نسخه کتاب به بهاء‌الدوله سپرده می‌شود. او این نسخه‌ها را به دقت و ارسای می‌کند؛ ولی نسخه تازه نگارش یافته را تشخیص نمی‌دهد. آنگاه کلیه این نسخه‌ها را به عنوان کار ابن مقله نگهداری می‌کند.<sup>۴</sup>

یاقوت همچنین روایت کرده که خطاطی از قرن هفتم هجری صفحه‌ای از خط ابن بواب را به چهل درهم خریداری می‌کند و آن را بر روی ورقی قدیمی استنساخ کرده، به فردی کتابفروش به عنوان خط ابن بواب به شصت درهم می‌فروشد.<sup>۵</sup>

بسیاری از نسخ از نسخه منقول به طور کامل تقلید (شبیه‌سازی) می‌کنند؛ به نحوی که تمیز بین آن دو امکان‌پذیر نیست. چنانچه در دو مثال پیشین دیدیم؛ و این به جهت اظهار مهارت و برجستگی‌شان بوده است. این از دلایلی است که یوسی را بر آن داشته که در فصل بیست و چهارم از کتاب القانون بگوید: «چه بسیار برای مردم ضرورت دارد که برای ناسخین مقرر تعیین کنند!»<sup>۶</sup> بنابراین شرایط ناسخ هر چه باشد، باز ممکن است تحت تأثیر حالات روحی و ذوق شخصی و شخصیت تکامل یافته خود قرار گیرد. و متن نگارش یافته را چاره‌ای جز تأثیر از این حالات نیست چه این که نگارش متون و تداول آن بین عموم، قبل از هر چیز یک کار انسانی خاص به شمار

بدان فراخوان کرده و در حیطة کار ناسخ، اساسی و مهم به شمار می‌رود، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که معاینه، روشی متداول در نسخ عربی بوده است. از آن گذشته کار مشافهة نسخه‌ها که در آن استاد یا قاری املا می‌کرد و شاگرد یا ناسخ می‌نگاشت، نیز شایع بوده است. تأکید مؤلف بر قرائت حرف به حرف، در حقیقت تأکیدی است بر موشکافی و تفتیش تا جایی که ناسخ در کارش به خطا نرود.

خود تحلیلی در نسخ باعث گردیده که یکی از زبان‌شناسان به نام (دو روسو) در کار ناسخ معاین، چهار مرحله را که انتظار اشتباه در آن می‌رود تفکیک نماید:

الف. قرائت متن؛

ب. حفظ متن؛

ج. املاي درونی؛

د. اجرای عملیات نسخه‌نویسی.<sup>۱</sup>

این همان ساز و کار روانی کار ناسخ می‌باشد. و اوست که خطاهای نگارش را تفسیر و تعلیل می‌کند. خطاهایی که بیشتر آن در اثنای مرحله سوم یعنی املاي داخلی رخ می‌دهد. به علاوه چشم‌پزشکی جدید ثابت کرده که خواننده [متن] فقط قسمتی از کلمه را قرائت می‌کند و مابقی آن را با حدس و تخمین تکمیل می‌نماید. بدین روی، قاضی عیاض بر خواندن حرف حرف و ازگان اصرار می‌ورزد. و آنگاه می‌گوید: «ولا ینخدع فی الاعتماد علی نسخ الثقة العارف، چه بسا ناسخ پاک‌نیت و مورد اعتماد امکان فروغلطیدن در خطا برایش هست.» و هر چند بر دوری گزیدن از کژئی‌ها اصرار ورزد و به قصد عفو الهی و حسن خاتمه، دست به دعا بردارد،<sup>۲</sup> باز بدون قصد و غرض گرفتار خبط و خطا شود. بنابراین خصیصه ناسخ و منبع نسخه هر چه باشد، جانب احتیاط بر او ضرور است. همچنین حصول اطمینان ناسخ از تاریخ نگارش نسخه منقول مورخ، ضروری است.<sup>۳</sup> ناسخ نباید فریب تواریخی را که در ظهر مخطوطات ثبت شده بخورد. چه بسیار مخطوطات مورخی که به تاریخ گذشته ثبت شده‌اند؛ در حالی که به تازگی نگارش یافته‌اند. در این جاست که پرداختن به عناصر بیلوگرافیک و کودیکولوژیک محفوظ مانند خط، ورق و غیره امری ضروری گردد. قدمت ورق دلیل بر قدمت زمانی مخطوط نمی‌باشد. یاقوت رومی روایت کرده که ابن بواب، متولی کتابخانه بهاء‌الدوله در شیراز بوده است. روزی از بین انبوهی از کتاب‌ها در گوشه‌ای کتابی را به جلد سیاه مشاهده می‌کند و در می‌یابد که این کتاب جزئی از قرآن ۳۰ مجلدی مکتوب به خط ابن مقله است. لذا بسیار شگفت زده می‌شود و سراغ مابقی اجزای آن را به ۲۹ جلد از آن دست می‌یابد... و تنها یک مجلد از آنها را به دست نمی‌آورد. هنگامی که این خبر به بهاء‌الدوله می‌رسد، او امر به اتمام این کتاب

1. Alphonse Dain: Les manuscrits . p. 41: ed Le Bells Lettre 1975.

۲. پدیده‌ای معروف در قرون وسطی در اروپا بوده است. بدین قرار که راهبان به امید اجر الهی و تکفیر گناهان خود با احتیاط و اخلاص استنساخ می‌کردند.

۳. بسیاری از مخطوطات بدون تاریخ در خزانه‌های دنیا نگهداری می‌شوند. از مهم‌ترین وظایف کودیکولوژی، تاریخ‌گذاری نسخه‌های غیر مورخ است. به دنبال ترتیب فهارس، برای مخطوطاتی که تاریخ آنها به شکل علمی انجام یافته است و این کاری است که مخطوطات عربی ما پیوسته محتاج آن بوده‌اند.

۴. داستان می‌رساند که کتابت ابن بواب از کتابت ابن مقله به دور نبوده است و تزویر در این کار نیز ممکن بوده... ارشاد الارب، مجلد ۶ ص ۳۴ به نقل از الكتاب العربی، یوهانس ریدرس ص ۸۸؛ (فی الطبیعة) انگلیسی و ص ۱۱۳-۱۱۴ از ترجمه عربی آن.

۵. همان ص ۱۱۳-۱۱۴.

۶. القانون ابو علی حسن یوسی، پیوست ۲۴ ص ۴، طبع سنگی.

می‌رود و این ویژگی انسانی است که در پژوهش‌های مربوط به میراث مخطوطات عربی بایسته تحقیق و تفحص خواهد بود. خطا و اشتباه فکر و دل، خستگی چشم و طغیان قلم همه از ظواهر انسانی است که ناسخ دچار آنها می‌شود و ناخودآگاه دست به تغییر و تحریف می‌زند.

بررسی و کنکاش، پیرامون نسخه‌های مختلف مخطوط براساس بررسی‌های کودیکولوژیک، امکان شناسایی اسبابی را که باعث در افتادن ناسخ در این خطاها می‌شود، فراهم می‌کند. نسخه‌های خطی‌ای که در مقام یاری رساندن محقق در شناخت این اسباب و دلایل هستند، نسخه‌های رها یافته از تصحیح و اصلاح و به دور از خطا و کژی خواهند بود. اسبابی که دست یازیدن به اصل و ریشه خطا را برای محقق متون فراهم می‌سازد.

از بین خطاها و اعوجاجاتی که غالباً محققان متون عربی در آن فرو می‌غلطند، اعتماد و تکیه‌شان بر نسخه مصحح و بنا به نامگذاری‌شان نسخه جید (پاکیزه) است. مفهوم نسخه نیکو در حیطه فیلولوژی نیامده است. اگر چنانچه از نسخه نیکو سخن می‌گوییم، منظور نسخه‌ای است که از خطاها در امان بوده؛ ولی این به معنای نسخه‌ای که تصحیح آن به انجام رسیده، نمی‌باشد. و این مطلبی است که پیشینه پژوهی متون را همواره به بیراهه کشانده است. و چه بسا تا ابد، فکر دست‌یابی به نسخه مادر یا اسلوب برتری را که از آن نسخه‌های دیگر استخراج می‌شوند، به گور برده است.

مشکلات و مسائل نسخ‌نویسی و نسخه‌نویسان در مراث عربی، سابقه طولانی داشته است. قدما نیز از زمان حرکت تألیف به اهمیت آن پی برده بودند و با به کاربندی وسایل و ابزار زیاد، به مقابله با آن مشکلات برخاستند. وجود (اجازاتِ نسخ) که در ظاهر مخطوطات نوشته شده، به مانند اجازاتِ روایت و سماع و همچنین وجود عباراتی در وقفیات، دلیل بر احتیاط قدما در مورد نسخه‌نویسی و نسخه‌نویسان بوده است. این احتیاط موجب شد قدما به استطراد (شاخه به شاخه شدن و نوشتن چیزهای مختلف) که متون قدیمی از آن سرشار است، روی بیاورند. زیرا حواشی - که غیر از متن به شمار می‌رود - دستاویزی برای حذف و تصرف توسط کاتبان به شمار می‌رود و در این صورت است که متنی مخطوط دچار آشفتگی می‌گردد.<sup>۱</sup>

آثار و نتایج تغییر و تحریف در نصوص عربی بیش از حد شمارش است و تحقیقات نظری در این مجال، به نتایج ملموس منتهی نشده است. حل این معضل از توان محقق و مصحح متون نیز خارج است. او متخصص مخطوطات و در تعامل با آنها و درگیر بررسی و تحقیق پیرامون آنهاست. کارهایی شامل نسخه‌یابی، تحقیق در مصادر

و منابع آنها، مقابله آنها، بررسی پیرامون کتابت و ادوات نگاشته شده بر روی آنها، بررسی خط و تاریخ و تاریخ‌گذاری آنها، تهیه لیستی از کاتبان مخطوطات به مانند آنچه برای کاتبان اروپایی و لاتینی تهیه شده،<sup>۲</sup> و سپس بررسی زندگانی کاتبان و سیر و سلوک و خلوص آنها؛ یعنی همان کاری که معاصران به آن نظریه جرح و تعدیل اطلاق کرده‌اند. میراث عربی ما به چنین تحقیقات و بررسی‌هایی محتاج و نیازمند است و توجه به آنها قبل از هرگونه تحقیق و تصحیح علمی ضروری است. هم‌اکنون در عالم عربی، فکر تأسیس یک آکادمی که به بررسی و درس و تدریس علم مخطوطات یا کودیکولوژی (Codicologie) بپردازد، نیازی اساسی و واجب برشمرده می‌شود. که در آن کارشناسان این علم توان خود را در راستای اعتلای تراث شناخته شده مخطوطات به کار بندند. و تلاش‌های علمی و تکنولوژیک این دانشمندان در مجال تحقیق و تصحیح مخطوطات عربی قطعاً متوجه محققان و مصححان و موجب بهره‌مندی آنها خواهد شد. و آثار و نتایجی که از این دست کارها به ثمر می‌نشینند، باعث خواهند شد از متونی که تاکنون به آنها تکیه و اعتماد شده، احکام و برداشت‌هایی متفاوت از قبل استخراج و استنباط شود.

۱. از آغاز قرن هشتم هجری، نیاز به حواشی برای مردم احساس شد. لذا آنها اضافات و زیادات و استطرادات خود را با کلماتی چون: تنبیه، فائده، تعلیق و حاشیه می‌آوردند. *مناهج العلماء المسلمین*، فرانتس روزنتال، ص ۱۱۱، چاپ ۱۹۸۰.

۲. فوگل در سال ۱۹۰۱ م آیین‌نامه‌ای ویژه ناسخین اروپایی وضع کرد و در آن آنچه راجع به کتابت و کاتبان بوده، تفصیل داده است. نیز بیریدلی (J.W. Bradley) در سال ۱۸۸۷ م آیین‌نامه‌ای را جهت کاتبان لاتین وضع کرده بود.